

**The political and social role of Mughirah bin Shuba in establishing and continuing the caliphate of the
Rashidun caliphs**

Abstract:

Mughirah Ibn Shuba (50 AH) who is known as an Arab village. One of the influential figures in the course of events in the history of Islam, in the first half of the first century AH. Since he has played key roles in various matters. The present article seeks to examine Mughirah's performance by citing the main sources, and by analyzing the data, in order to explore his political and social role in various matters and in the hidden and visible scenes of Islamic history. Therefore, in this article, considering the importance of the subject, we are trying to answer the questions of this research, which are: What effect has the thought and action of Mughirah Ibn Shuba had on the process of establishing and continuing the caliphate of the three caliphs? What role did the thought and action of Mughirah Ibn Shuba play in the process of establishing and continuing the Caliphate (as)? The basis of this research is based on the following hypotheses: The thought and action of Mughira bin Shuba has had a significant impact on the process of caliphate of the three caliphs. The findings of the research indicate that, after Mughirah converted to Islam, he became one of the companions of the Prophet (PBUH), but after his death, with a political turn, he started to fully support the three caliphs. After that, he engaged in an obvious enmity with the Caliphate of Ali (AS) and Imam Hassan (AS). The method of this research is descriptive-analytical based on Weber library data.

Keywords: Mughirah Ibn Shuba, Arab villages, companions of the Prophet (PBUH), three caliphs.

نقش سیاسی و اجتماعی مغیره بن شعبه در تثبیت و تداوم خلافت خلفای راشدین

غلامعلی سلیم گندمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

غفار پوربختیار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

عبدالعزیز موحد^۳

چکیده

مغیره بن شعبه (۵۰ق) که به دهات عرب مشهور است، یکی از شخصیت های تاثیر گذار در روند حوادث تاریخ اسلام، در نیمه نخست قرن اول هجری می باشد. از آنجایی که وی در امور مختلف ایفا گر نقش های کلیدی بوده است. مقاله حاضر در صدد است تا عملکرد مغیره را با استناد به منابع اصلی، و به وسیله ی تحلیل داده ها، مورد بررسی قرار دهد، تا نقش سیاسی و اجتماعی او را در امور مختلف و در صحنه های پنهان و پیدای تاریخ اسلام مورد کنکاش قرار دهد. از اینرو در این جستار با توجه به اهمیت موضوع در صدد پاسخگویی به سوالات این تحقیق هستیم که عبارتند از: اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه چه تاثیری بر روند تثبیت و تداوم خلافت خلفای سه گانه داشته است؟ اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه چه نقشی در روند، تثبیت و تداوم خلافت (علی ع) داشته است؟ مبنای این پژوهش بر فرضیات زیر استوار است: اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه تاثیر بسزایی بر روند خلافت خلفای سه گانه بر جای گذاشته است. یافت های تحقیق حکایت از آن دارد که، پس از آنکه مغیره به دین اسلام روی آورد در ردیف صحابی پیامبر(ص) قرار گرفت، اما پس از رحلت آن حضرت، با چرخش سیاسی، به حمایت همه جانبه از خلفای سه گانه مبادرت ورزید، و پس از آن به دشمنی آشکار، با خلافت علی (ع) و امام حسن (ع) پرداخت. روش این پژوهش توصیفی تحلیلی و بر اساس داده های کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: مغیره بن شعبه، دهات عرب، صحابه پیامبر(ص)، خلفای سه گانه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران،

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران،

در صدر اسلام همواره شخصیت هایی ظهور کردند، که افکار و اندیشه های آنها بر روند سیاسی و اجتماعی جامعه زمان خویش، تاثیرات قابل ملاحظه ای بر جای گذاشته است. مغیره فرزند شعبه بن ابی عامر بن مسعود ملقب به ابوعبدالله و ابو عیسی در شهر طائف دومین شهر پرجمعیت حجاز دیده به جهان گشود و همزمان با ظهور اسلام وظیفه ی حفاظت و حراست از بت لات که در بت خانه ی این شهر مستقر بود را بر عهده داشت. وی از قبیله ی بنی ثقیف بود که قبل از اسلام به دلیل آنکه ابرهه را که قصد تخریب خانه ی خدا را داشت راهنمایی کردند، سابقه ی ننگینی از خود در تاریخ به یادگار گذاشتند. مغیره در مقطعی پا به عرصه ی سیاست نهاد که زمانه به خصوص در دوره ی خلفای راشدین و بنی امیه آستن حوادث مهمی بود.

اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه چه نقشی در روند، تثبیت و تداوم خلافت امام علی (ع) داشته است؟ برای پاسخگویی به سوالات یاد شده این فرضیه ها را به آزمون گذاشته ایم: اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه تاثیر بسزایی بر روند خلافت خلفای سه گانه بر جای گذاشته است. بررسی منابع تاریخی نشان میدهد که اندیشه و عملکرد مغیره بن شعبه هیچ تاثیر قابل ملاحظه ای بر روند تثبیت یا عدم تثبیت پایه های خلافت امام علی (ع) نداشته است. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی میباشد که با استفاده از منابع و اطلاعات کتابخانه ای گردآوری شده است. درباره پیشینه این تحقیق باید گفت عده ای از پژوهشگران تحقیقاتی در این زمینه نگاشته اند. که از جمله آنها می توان به کتاب، طه حسین، (۱۳۵۴)، علی و فرزندان، نویسنده با اشاره به ثروت اندوزی مغیره، از تلاش های وی در ماجرای استلحاق پرده بر می دارد. کتاب، ویلفرد مادلونگ، (۱۳۸۵)، جانشینی حضرت محمد (ص)، که به نقش مغیره بن شعبه در سقیفه بنی ساعده پرداخته است. مقاله، محمدعلی بیگ، (۱۳۷۹) با موضوع « شخصیت سیاسی و نقش مغیره بن شعبه در تاریخ اسلام » و رساله کارشناسی ارشد: بیات، حسن، (۱۳۸۹) با عنوان « نقش مغیرین شعبه ثقیفی در صدر اسلام » و رساله کارشناسی ارشد: مفید بجنوردی، ناصر (۱۳۹۱) با موضوع « مغیره بن شعبه و نقش او در تحولات سیاسی و اجتماعی صدر اسلام » و مقاله، مریم السادات قدمی، (۱۳۹۳) با موضوع « مغیره بن شعبه تا دوران امام علی (ع) » و رساله کارشناسی ارشد: هاشمی، سید علی (۱۳۹۴) با موضوع « نقش آفرینی مغیره بن شعبه در تحولات سیاسی و اجتماعی صدر اسلام » اشاره کرد. تفاوت این تحقیق با سایر مطالعات قبلی در این است که محقق، با استناد به منابع دست اول و باتکیه بر روایات و اسناد تاریخی معتبر، سعی دارد، ضمن بررسی نقش سیاسی و اجتماعی مغیره در تثبیت پایه های خلافت خلفای ثلاثه و امام علی (ع)، آن بخش از زوایای پنهانی زندگانی، مغیره را، شامل آن سری از مباحثی که از دید تیز بین مورخان مغفول مانده است، را مطرح و مورد نقد و بررسی قرار داد

۲- نقش سیاسی و اجتماعی مغیره در زمان پیامبر (ص)

مغیره بن شعبه در دوران پیامبر (ص) حضور چشم گیری در بی عرصه های سیاسی و اجتماعی نداشت. به نظر میرسد « مغیره نخستین ثقیفی هست که در سال پنجم هجرت دین مبین اسلام را پذیرفت. (حیدری آقایی ۱۳۸۸: ۱۶) و در زمره ی صحابه ی آن حضرت قرار گرفت و (با توجه به آشنایی وی با ابوبکر، خود را به طرق مختلف به ساحت پیامبر نزدیک نمود، تا جایی که در ردیف اصحاب و حتی کاتبان و راویان قرار گرفت. گرچه طبق تعاریف رایج نمی توان در صحابی بودن او شک نمود اما در باره ی کتابت و روایت او باید تامل کرد. بررسی های اولیه نشان می دهد که کتابت مغیره محدود به مواردی در خصوص آب ها و دام ها و معاملات بوده و هیچ ارتباط معنا داری بین او و کاتبان وحی وجود ندارد» (ابن عبدربه بی تا: ۴/۱۵۲؛ نویری ۱۳۶۵: ۳/۲۱۰). (در باره ی راوی بودن او نیز عده ای معتقدند که وی بیش از یکصد و بیست حدیث از رسول گرامی اسلام نقل کرده است) (ابن

سعد ۱۴۱۰ق: ۱/۱۳۰)، بنابر این لازم است با بررسی بیشتر درنص پاره ای از روایات تاریخی درباره ثقه بودن وی بعنوان یک راوی بیشتر تحقیق نمود. مغیره همچنین از اعضای اصحاب صحیفه بشمار می رود (امینی گلستانی ۱۳۹۲ ش: ۹۱) آنها در کنار کعبه عهد بستند که پس از پیامبر نگذارند خلافت در خاندان آن حضرت استمرار پیدا کند (مجلسی ۱۴۰۳ ق: ۲۸/۸۶)

مقدسی آورده است: «پس از رحلت پیامبر (ص) مردم به چند دسته تقسیم شدند، گروه انصار، با محوریت سعدبن عباد در سقیفه حاضر بودند، تا برای جانشینی پس از پیامبر (ص) چاره ای بیندیشند. در این اثنا مغیره بن شعبه خود را به ابوبکر رساند، و خطاب به او گفت، اگر به سرنوشت امت اسلام علاقمندید پس مردم را دریابید. با ورود ابوبکر به سقیفه، مجادلات بین مهاجر و انصار برای تعیین تکلیف رهبری جامعه اسلامی، رنگ بوی سیاسی بخود گرفت و در نهایت مسلمانان با ابوبکر بعنوان خلیفه بیعت کردند.» (مقدسی ۱۹۶۲ م ۵/۶۵) ابن ابی الحدید در گزارشی آورده است «که، پس از رحلت پیامبر (ص) ابوبکر و عمر به انگیزه بیعت با علی (ع) درب منزل رسول خدا گرد آمدند، وقتی مغیره بن شعبه از انگیزه حضور ابوبکر و عمر مطلع گردید، بمنظور تشکیک در این تصمیم، خطاب به آنها گفت، آیا قصد دارید به تاک و انگور نارس این خاندان روی آورید، و خلافت را میان قریش گسترش دهید.» (ابن ابی الحدید ۱۳۸۶ ش: ۳/۱۷۸)

با توجه به آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که مغیره بن شعبه بنابر گزارشات مختلف در روز انتخاب خلیفه اول، در سقیفه حضور داشته، اما در رابطه با اینکه مغیره چه نقش قابل ملاحظه ای را ایفا کرده، باید اذعان کرد که، نقش وی اغواگری بوده است. زیرا با توجه به سابقه ایمان و نحوه عملکردش در عصر رسول خدا بخوبی می توان دریافت او تمایل چندانی به استمرار خلافت در خاندان بنی هاشم نداشته، و برای انتقال خلافت به ابوبکر مجدانه کوشش نموده است. و پس از لایبگری با افرادی که با پیامبر و علی (ع) زاویه داشتند، زمینه خلافت را برای خلیفه اول هموار نمود.

به مدد برخی از روایات براحتی می توان به انگیزه حضور فعال او در اتفاقات مهم سقیفه پی برد، زیرا مغیره که خود را جزو صحابه بزرگ قلمداد می کرد آنقدر زیرک بود تا با تکیه بر فرصت موجود علاوه بر مداخله در کلیه امور مربوط به انتخاب رهبری، در بسیاری از بزنگاه ها حاضر شود تا در آینده بتواند از آنها بهره برداری کند. بهمین سبب او که پس از بررسی اوضاع بخوبی دریافت تنها راه نیل به قدرت و مناصب حکومتی در این برهه دخالت در امر خلافت است از همان لحظات اولیه جانشینی پیامبر (ص) بنابر مقتضیات، به رصد مسائل سیاسی پرداخت و با نفوذ در شورای چند نفره بر جو سقیفه تاثیر گذاشت و از جمله کسانی بود که در جلوگیری از بیعت با علی ع و استقرار امر خلافت در دست خلیفه نقش فعالی ایفا نمود. اما پس از انتخاب ابوبکر بعنوان رهبر مسلمین بدلیل اینکه وی پشتوانه قدرتمندی در مدینه نداشت از رسیدن به مناصب حکومتی در این مقطع باز ماند.

به همین سبب مسلمان شدنش علاوه بر اینکه ذائقه مسلمانان را تلخ نمود، منجر به نوعی بدبینی و بی اعتمادی نسبت به وی در سطح جامعه اسلامی شد. «برخی معتقد هستند که این بدبینی درباره او حتی در زمان پیامبر نیز وجود داشت چنانکه در زمان ورود نمایندگان ثقیف به مدینه، آنحضرت پیشنهاد مغیره را برای پذیرایی از آنان را نپذیرفت» (وافدی ۱۳۶۶ ش: ۷۳۳). به همین دلیل ابوبکر در هنگام واگذاری امور سیاسی و نظامی به برخی از دولت مردان، بدلیل پاره ای ملاحظات، براحتی از مغیره صرف نظر کرد. البته خلیفه اول معمولاً در واگذاری مناصب سیاسی و نظامی، تا حدودی از سیاست پیامبر اسلام تبعیت می کرد و بر اساس همین استراتژی، در هنگام توزیع مناصب دولتی و لشگری بیشتر به افرادی بها میداد، که در زمان رسول خدا (ص) سابقه ی کارهای اجرایی رادر کارنامه خود داشتند. از دیگر عواملی که باعث شد تا در این دوره مغیره در حاشیه قرار بگیرد، باید به مسئله وابستگی

های قبیله ای افراد توجه جدی نمود، زیرا مغیره بن شعبه جزء قبیله ثقیف و اهل طائف بود، و در مدینه از حمایت چندانی که لازمه ی بدست آوردن امارتی باشد برخوردار نبود.

ابن جوزی می گوید: «در این دوران مغیره نه تنها عهده دار هیچیک از پست ها و مناصب سیاسی نشد، بلکه در زمینه های نظامی نیز، حضور موثری در میداین جنگی نداشت، و به رغم اینکه با آغاز جنگ های رده خلیفه، برای مقابله و سرکوب، مرتدان و مدعیان دوروغین پیامبری، گروه های زیادی از جمله سپاه اسامه را به جبهه ها اعزام نمود، نامی از مغیره به چشم نمی خورد» (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ۵/۲۳۹)

ابن جوزی در المنتظم آورده است که: «خلیفه برای سرکوبی اهل ارتداد مغیره را به یمامه و یمن اعزام نمود، اما حضور او در این جنگ ها، نه در لوای یک فرمانده ارشد، بلکه برای خدمت در یکی از زیر مجموعه های نظامی تحت امر علاء بن حضرمی، که برای فرونشاندن شورش ها و ارتدادی که پس از مرگ حاکم بحرین روی داد به آن منطقه اعزام نموده بود.» (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ۴/۸۴۰؛ ابن اثیر ۱۳۶۴ش: ۲/۳۶). در گزارش های دیگر تصریح شده که اعزام مغیره به مناطق جنگی به منظور ارسال و تبادل نامه از طرف خلیفه به سایر مناطق بوده است و خلیفه به مغیره دستور داده، تا خود را به فرمانده ارشد میدان، که در منطقه حضر الموت مشغول جنگ با مرتدان نجران بود رسانده، و پیغام خود را به مهاجرین امیه تسلیم نماید. (طبری ۱۳۸۲ ق: ۴/۱۴۳۷؛ ابن حجر عسقلانی ۱۴۱۵ ق: ۶/۱۵۷).

بهرحال آنچه مسلم است مغیره پس از وفات پیامبر (ص) با وجود اینکه قبایل با نفوذی چون مهاجر و انصار و قریش حضور چشمگیری در دستگاه خلافت داشتند، جنب و جوش وی در اطراف سقیفه برای او فایده ی چندانی در پی نداشت. زیرا عکس العمل های او نه از روی دلسوزی برای اسلام، و نه از جهت نگرانی برای آینده امت اسلامی بود. بدین سبب پس از روی کار آمدن ابوبکر به رغم تلاش های چشم گیر مغیره، در انتقال قدرت به خلیفه، خود راه به جایی نبرد، چون عمر کوتاه خلافت ابوبکر از یک سو و مشی و مرام، و سیره و سیاست او در اداره جامعه اسلامی، که هنوز فاصله زیادی با زمان پیامبر (ص) نداشت، باعث شد تا مغیره، مجال چندانی برای دستیابی به اهداف جاه طلبانه پیدا نکند.

۳- نقش سیاسی مغیره در تثبیت خلافت عمر

وقتی تصدی امر خلافت با وصیت ابوبکر به عمر رسید، (طبری ۱۳۸۲ ق: ۵/۱۵۷۱) وی با توجه به آغاز فتوحات گسترده و ضرورت کشور گشایی، با تغییرات اساسی در سیاست های جنگی، به تحرکات جدیدی در عرصه میدانی دست زد. گسترش دایره فتوحات به سرزمین های ایران و روم باعث شد، تا خلیفه با انتخاب فرماندهان جدید، برای سازماندهی نیروهای تحت امر خود، خون تازه ای را در بدنه ی یگان های نظامی تزریق نماید. از سوی دیگر نفوذ سپاهیان اسلام در سرزمین های شرقی به فتح شهرهای بزرگی منجر شد، و عمر برای گسترش نفوذ خود در این مناطق، به گزینش تعدادی کارگزار جدید، برای اداره این شهرها نمود. به همین سبب در این مقطع مشاهده حضور جدی مغیره بن شعبه و نقش او در فتوحات بزرگی همچون قادسیه و نهاوند هستیم « او همچنین در جنگ یرموک، یک چشم خود را از دست داد. پس از آن با نفوذ در بدنه دستگاه خلافت، امارت شهر نوبنیاد بصره را عهده دار شد» (ابن اثیر ۱۳۶۴ش: ۲/۳۳۹ تا ۳۴۰)

بلاذری ۱۳۹۸ ق: ۲۵۶) «متأسفانه وی در هنگام صدارت در بصره با زنی از بنی هلال از طائفه ثقیف روابط مشکوکی برقرار نمود. وقتی مردم بصره از این ماجرا مطلع شدند برای اطلاع از صحت و سقم این موضوع به کنترل اوضاع پرداختند، تا آنکه روزی تعدادی از شهود او را در حال ارتباط نامشروع با ام جمیل مشاهده نمودند» (بلاذری ۱۹۸۸ م: ۴۹۰-۱/۴۹۱) و بدین سان او با این فسق

آشکاره بسیاری از منابع مختلف به آن پرداخته اند، حیثیت و وجاهت خود و خلافت را لکه دار نمود «وبه رغم کفایت شهود، و با اینکه مردم عراق خواستار رجم او بودند» (الحلی ۱۰۴۴ ق: ۱/۱۸۰). عمر تنها به عزل او از امارت بصره بسنده کرد. سپس او را تبرئه کرده و به مغیره گفت برخیز و بر شهود سه گانه، که بر علیه شما شهادت دادند، حد را جاری کن. هنوز اندکی از این فضاخت نمی گذشت، که خلیفه در سال بیست و یک هجری عمار یاسر را از حکومت کوفه خلع، و اداره آن را به مغیره سپرد (ابن اعثم ۱۳۷۴ ش: ۲/۳۲۱). و تا عمر زنده بود وی بعنوان عامل کوفه تصدی این شهر را بر عهده داشت (قدمی ۱۳۹۳ ش: ۱۴؛ طبری ۱۳۸۲ ق: ۴/۱۴۴). این اقدام خلیفه در انتصاب مغیره به امارت کوفه، در آن زمان بحدی برای مردم حیرت آور بود، که در ادبیات جاری نیز از این حادثه، تا سال ها همراه با نوعی مضحکه یاد میکردند « زیرا بر اساس حکم الهی مغیره می بایست سنگ سار می شد. اما وقتی عمر با شهادت قاطع سه نفر از صحابه پیامبر علیه مغیره مواجه شد، برای تبرئه او از این مهلکه، دست به خدعه زد، و در هنگام حضور شاهد چهارم به داخل محکمه، لب به ستایش وی گشود و گفت، من چهره ی مردی را مشاهده میکنم، که خداوند به دست او مسلمانی را بی آبرو نمی کند. در این هنگام، شاهد چهارم نیز پس از استماع تعریف و تمجید خلیفه، از شهادت خود منصرف شد. و بدین سان عمر بر سایر شهود حد جاری نمود» (ابن خلکان، ۱۳۶۴ ش: ۲/۴۵۵؛ ابن اثیر ۱۴۰۹ ق: ۴/۴۰۷).

از دیگر مباحثی که درباره خلایات مغیره با استناد به برخی گزارشات، محرض گردیده، اونخستین کسی بود، که بنای رشوه را در اسلام پی ریزی نموده است، وی در زمانه ای که ملاقات خلیفه به سادگی میسر نبود، با پرداخت رشوه به غلام عمر به دیدار خلیفه شتافت و بدین وسیله این بدعت را در اسلام بنا نمود (ابن حجر ۱۴۱۵ ق: ۶/۱۵۷؛ ابن اثیر ۱۴۰۹ ق: ۴/۴۷۳). سیوطی عالم بزرگ اهل سنت نیز آورده است « اولین کسی که در اسلام رشوه داده همانا مغیره بن شعبه از صحابی پیامبر ص بوده است» (سیوطی ۱۴۰۰ ق: ۲۴۹) «مغیره نیز به این رفتار قبیح خود اشاره کرده و می افزاید، من اولین کسی هستم که در اسلام رشوه پرداخت کردم، و پس از ارتکاب این عمل در چشم

مردم بزرگ شدم، زیرا هر موقع اراده ی دیدار خلیفه را داشتم بدون وقت قبلی او را ملاقات می کردم» (ابن حجر ۱۴۱۵ ق: ۶/۱۵۸).

و مردم گمان می کردند که من نزد خلیفه از جایگاه والایی برخوردارم.

با این همه مغیره در دوره عمر، با اکتا به چابکی و استعداد های ذاتی خویش توانست، با سعه صدر و بردباری، برای اولین بار تصدی امارت شهرهای بزرگ بصره و کوفه را عهده دار گردد، و ظرفیت ها و زوایای پنهانی خود را به منصفی ظهور برساند. صرف نظر از خبط اخلاقیش، که موقعیت او را در بین سیاسیون و آحاد مردم مخدوش نمود، باید اذعان کرد، پرورش مغیره در میان قبیله ثقیف، یکی از قبائل بزرگ عرب، و دوستی و همنشینی او با زیاد بن ابیه، که مادرش ایرانی و پدرش رومی بود، تاثیرات قابل ملاحظه ای بر شخصیت وی گذاشت، همچنین حضور او در جنگ هایی که در خارج از مرز های شبه جزیره عربستان به وقوع پیوستن، باعث شد که مغیره تا حدود زیادی با فرهنگ و آداب و سنن ایرانی و رومی، که در آن زمان مهد تمدن بودند، آشنا گردد، از این رو وی در زمینه عمران و آبادانی شهرها و اصلاح دیوان بصره و کوفه، کارنامه قابل قبولی را از خود ارائه نمود. «چون از آنجایی که این دو شهر در زمان عمر، بعنوان مقصد مهاجرت اعراب برای استقرار پایگاه های نظامی، جهت تجدید قوای سپاهیان مسلمان، برای ادامه فتوحات در مناطق شرقی سرزمین های اسلامی مبدل شدند، رسیدگی به امورات این شهرها برای خلافت اهمیت خاصی داشت. زیرا تسلط بر سرزمین های فتح شده و ادامه فتوحات باعث سرازیر شدن ثروت های انبوهی به خزانه دولت میشد، که مقداری از آنها جهت تامین مالی و تدارکاتی رزمندگان و بخشی نیز بعنوان عطا، برای رفع نیازهای معیشتی سالانه مسلمانان

به آنها پرداخت می‌شد، به همین سبب، دریافت بموقع عوارضات و توزیع آنها به دستگاه‌های مختلف، نیازمند سامانه‌ای مدون، برای ثبت و ضبط و نگهداری این موارد بود، که خلیفه برای ساماندهی این امور دستور تاسیس دیوان بصره را صادر کرد.

۴- نقش سیاسی و اجتماعی مغیره در تثبیت و تداوم خلافت عثمان

«دوره عثمان را برخی از متأخرین دوره‌ی آشوب نامیده‌اند» (زرین کوب ۱۳۷۳ ش: ۹۹) «ابوسفیان خطاب به عثمان گفت اکنون که خلافت به بنی امیه رسیده آن را چونان کودکان که گوی بازی را به هم پاس می‌دهند، در این خاندان به همدیگر واگذار نمایید و نگذارید از میان شما خارج شود» (اصفهانی ۱۳۶۸ ش: ۶/۳۷۱) پس از فوت عمر به رغم اینکه خلیفه دوم، شورایی متشکل از شش نفر را، جهت انتخاب جانشین خود معرفی کرد، مغیره بن شعبه با زیرکی و هوشیاری، ضمن رایزنی با اعضای آن شورا، در صدد بود، تا با اعمال نفوذ در جرگه رجال سیاسی، خود را به آنها نزدیک نماید. و بدین سان، سهمی از حکومت را برای خود قائل شود. او که فردی سیاس و کارداران بود، سعی میکرد با اشراف بر اوضاع موجود، و سنگین نمودن کفه به نفع عثمان، منصب، ذخیره‌ای را برای خود دست و پا کند.

انتخاب کنند استفاده می‌کرد، تا خود را به هرم قدرت نزدیک نماید. به همین منظور «وقتی ابوطلحه انصاری و مقداد بن اسود بنا بر وصیت عمر، اعضای شورا را جهت تصمیم‌گیری در منزل مسور بن مخرمه و بنا بر قولی در خانه عایشه جمع کردند، عمر و عاص و مغیره بن شعبه نیز برای اینکه از قافله عقب نمانند، پشت درب محل شورا تجمع کردند و در صدد بودند ضمن رایزنی با برخی از عوامل ذی نفوذ، زمینه مشارکت خود را در آسیاب قدرت تقویت نمایند. سعد بن ابی وقاص ضمن مواخذه آنها گفت، شما قصد دارید با تجمع در این مکان، خود را در زمره اهل خرد و عضو شورای سیاست‌گذاری انتخاب خلیفه قلمداد، و در آینده به آن افتخار کنید» (ابن خلدون ۱۳۶۳ ش: ۲/۵۶۹) در نقلی دیگر ابن اثیر به همین مضمون آورده است، که وقتی اعضای شورا برای هم اندیشی درباره تعیین تکلیف خلیفه مسلمین گرد هم آمدند، عمر و عاص و مغیره بن شعبه برای القای منویات خود به اعضای شورا، پشت درب محل جلسه، تجمع کردند و سعد ابی وقاص با پرتاب سنگ، آنها را متفرق ساخت و خطاب به آنها گفت انگیزه شما این است که فردا، با فخر و مباحات به مردم اعلام کنید ما اهل شورا

به هر صورت آنچه مسلم است، در این دوره بخت با مغیره همراه نبود، زیرا وی نه تنها در این ایام ریاست خود در فرمانداری کوفه را از کف داد بلکه هرگز نتوانست مسولیتی در خور شان خود را بدست بیاورد. به همین دلیل وی مدتها از دستگاه خلافت فاصله گرفت و از فعالیت‌های سیاسی کناره‌گیری نمود.

اما وقتی بتدریج دامنه اعتراضات مردمی گسترش یافت، «علی ع در مقام سخنگوی مردم با عثمان به مذاکره پرداخت اما او حاضر نبود به هشدارهای علی ع توجه کند. علی ع بارها به دیدار عثمان رفت و او را نصیحت کرد، زیرا تا آنجا که روشن است علی ع برای مدتی طولانی در کشاکش دو احساس تعهد درگیر بود: از یک سو احساس وظیفه سنتی نسبت به خویشان نزدیکش و از سوی دیگر احساس تعهد نسبت به اصول اسلامی می‌کرد. با این حال در اواخر کار با ناامیدی از عثمان قطع امید کرد» (مادلونگ ۱۳۸۵: ۱۷۳) سرانجام بی تفاوتی خلیفه در برابر خواسته‌های بحق مردم باعث شد، شعله قیام‌ها تاملدینه زبانه کشد و مرکز خلافت آبستن حوادثی سهمگینی گردید، تا جایی که بسیاری از گروه‌های مبارز، با شعار براندازی بپا خاستند.

در چنین شرایطی عثمان چاره‌ای جزء تامین بخشی از نظرات معترضین را نداشت، زیرا دامنه خشم عمومی آحاد مردم، یکباره، همه چیز بر سر خلافت آوار کرده بود، و خلیفه در این هنگامه سخت، دست به دامان صحابه شد، تا بتواند از این منجلاب نجات پیدا کند.

«او برای خاموش کردن آتشفشان اعتراضات مردمی، بحث آتشتی ملی را در دستور کار خود قرار داد. و بدین منظور از عمرو عاص و مغیره بن شعبه که از دهات عرب بودند، تقاضا نمود که ضمن رایزنی با مردم و سران گروه های معترض، زمینه صلح و سازش را فراهم نمایند. مغیره بن شعبه برای تحقق این امر، بعنوان منجی وارد میدان شد، تا آرامش را به حکومت بازگرداند، او تصمیم گرفت تا ضمن رایزنی با سران گروه های مخالف، موانع پیش روی آنها با عثمان را مرتفع نماید، اما مردم که با توطئه های مغیره آشنا بودند، حکمیت او را بعنوان فردی مرضی الطرفین نپذیرفتند. معترضین به محض مشاهده مغیره بانگ برآوردند که ای فاسق، ای عور وای فاجر ما را به سخن تو امیدی نیست، مغیره که مهر سکوت بر لب دوخته بود به سمت عثمان بازگشت»^۱ ابن اعثم ۱۳۷۴ ش: ۲/۴۱۰، مفید بجنوردی (۱۳۹۱ ش: ۹۵) و حضور او ذره ای از آتش گداخته کم نکرد. سرانجام روش های ضد اسلامی عثمان و در راس آن سپردن قدرت به دست امویان و غارت بیت المال توسط آنان، و بستن مالیات های سنگین همچنین بی توجهی او به تذکرها و انتقادهای حق جویان و اصلاح طلبان و تبعید و شکنجه افراد مصلح، خشم مردم را برانگیخت، بطوری که آنها با یک شورش عمومی، مدتی خانه عثمان را محاصره کردند.

و در نهایت امر چنانچه این جماعت تمکین نکردند، شمشیر را بر علیه این آنها از رو ببندید، ما نیز در رکاب شما هستیم و قضاوت را بخدا می سپاریم. عثمان گفت: ای مغیره از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود، مردی از قریش در مکه از دین خود برمی گردد و نیمی از عذاب این امت از آن او خواهد بود، پس من تمایلی ندارم به مکه برگردم، تا مصداق این روایت باشم. اما اینکه توصیه کردی راهی شام شوم این کار در شان من نیست زیرا مدینه خانه ای است که بسوی آن هجرت کرده ام و در جوار قبر رسول خدا ماوا گزیده ام، پس نیازی به بیرون رفتن از مدینه ندارم. اما اگر معتقدید، باید با مردم بجنگم و قضاوت درباره آنها را بخدا واگذارم، آگاه باش که هرگز به چنین کاری تن نخواهم داد، زیرا نمی خواهم اولین کسی باشم که در امت رسول خدا (ص) خونی بریزم» (ابن قتیبه ۱۳۸۷ ق ۱/۵۸، ابن کثیر ۱۴۲۶ ق ۷/۳۷۵) سرانجام لحظه به لحظه گروه های متخاصم حلقه محاصره را تنگ تر کردند و سرانجام در یورش برق آسا پس از تصرف منزل عثمان، او را بقتل رساندند.

۵- نقش سیاسی و اجتماعی مغیره در تثبیت و تداوم خلافت علی (ع)

بنظر میرسد «در سقیفه نقشه بگونه ای ترسیم شد که خلافت را یکی پس از دیگری عهده دار شوند بر این اساس اگر عثمان کشته نمی شد هرگز خلافت به علی (ع) نمیرسید» (عسکری ۱۳۹۵ ش: ۱۸۶) حضرت علی (ع) با ایدئولوژی و دیدگاه خاصی که نشأت گرفته از حکومت نبی مکرم اسلام بود، خلافت مسلمین را بر عهده گرفت، «و با این بینش که حکومت او تفاوت های بنیادین با روش خلفای ثلاث داشت به عزل کارگزاران دوره عثمان پرداخت. وی در همان آغاز سیرت خود و سیر حکومت را تبیین کرد» (ابن ابی الحدید ۱۳۸۶ ق: ۱/۴۳۸؛ ابن اعثم ۱۳۷۴ ش: ۳۹۳) طه حسین آورده است «علی (ع) نمی توانست حاکمان دوره عثمان را به جهت رفتارهای شرم آورشان با مردم در جایگاه های قبلی آنها ابقا نماید» (طه حسین ۱۳۵۴ ش: ۳۱) «بهمین سبب علی ع تغییرات زیادی را در عزل و نصب عاملان بوجود آورد و با آنکه در دوره های قبلی مناصب و امارت ها در اختیار خویشاوندان خلیفه و بنی امیه و یا وابستگان آنها قرار داشت و بدون در نظر گرفتن لیاقت ها توزیع میشد، امام علی در انتخاب عوامل و کارگزاران بدون توجه به وابستگی آنها به خاندان، به شایستگی افراد توجه می کرد» (هاشمی ۱۳۹۴ ش: ۷۱) مغیره بن شعبه در این دوره پس از ارزیابی شرایط جدید و بررسی اوضاع، در صدد برآمد تا با نزدیکی به دستگاه خلافت بخت خود را بیازماید، «وی که تا بیست روز قبل از کشته شدن عثمان پیشنهاد خروج علی را از مدینه مطرح می کرد، پس از تاسیس حکومت علی ع وارد عرصه سیاسی شد.

او ابتدا خیر خواهانه، تز ابقای معاویه را بر ولایت شام مطرح کرد، اما اندکی بعد خائنانه، خواهان خلع او از این مستند شد. امام علی (ع) که در حکومت داری استراتژی خاصی را دنبال می کرد، هیچیک از پیشنهادات او را نپذیرفت، (دینوری ۱۳۷۱ ش: ۱۷۸؛ ابن قتیبه ۱۳۷۸ ق: ۱/۴۸؛ مسعودی ۱۴۰۶ ق: ۲/۳۹۱) سر انجام امیرالمومنین پس از جمع بندی نهایی بنا بر پاره ای ملاحظات «حکومت شام را به مغیره پیشنهاد نمود، اما او از پذیرش آن امتناع ورزید و گفت مرا نزد کسی می فرستی که در عزای پسر عمویش اندوهگین است» (ابن قتیبه ۱۳۷۸ ق: ۱/۶۸). «پس از آن علی (ع) که از سیره و رفتار معاویه کاملاً مطلع بود و می دانست که وی به عنوان والی اسلامی عمل نخواهد کرد او را از والی گری شام خلع کرد.» (مسعودی ۱۴۰۶ ق: ۷۸-۶/۷۹) پس از این رویداد، مغیره با علی (ع) زاویه گرفت.

درواقع مغیره وقتی در ابتدای امر ملاحظه کرد، برخی از بزرگان صحابه از اطراف علی (ع) پراکنده شده، و با همراهی تعدادی از امویان به اصحاب جمل پیوستند، پیروزی آنها را قطعی یافت، اما پس از بروز اختلاف در اردوگاه آنها، و پس از آنکه دو صحابه بزرگ برای رسیدن به قدرت درصدد حذف همدیگر به خدغه و نیرنگ روی آوردند. شکست آنها را در مصاف با یاران امام، دور از انتظار نمی دید، از صحنه سیاسی و نظامی کناره گیری کرد، و راهی زاگاش شد. تا در زمانی مناسب به عرصه سیاسی بازگردد. او در این برهه گرچه عملاً در میدان نبود، اما به لحاظ اینکه از هوش و فراست سیاسی برخوردار بود، کماکان به رصد برخی از وقایع مهم می پرداخت، و از روند حوادث مهمی همچون جنگ جمل - صفین و نهروان غافل نبود. (پس از آنکه آتش جنگ صفین تا حدودی فروکش کرد و کار به حکمیت کشیده شد، وی نقشه حکمین را پایان مقابله نظامی و آغاز مصالحه سیاسی ارزیابی کرد، از این حیث، پس از بررسی اوضاع مغیره، برای شرکت در مذاکرات دیپلماسی دمه الجندل، بسرعت خود را به آن منطقه رساند) (طبری ۱۳۸۲ ق: ۶/۲۵۷۳؛ ابن اثیر ۱۳۶۴ ش: ۳/۳۳۰) و پس از رایزنی با افراد مختلف و استماع نظرات طرفین، بدلیل طولانی شدن فرایند مذاکرات راهی دمشق شد. و به معاویه گفت قرائن و شواهد حاکم بر حکمیت مبین این واقعیت است، که (ابوموسی در یک چرخش سیاسی، علی (ع) را از حکومت خلع و عنان خلافت را به حلقه مفقوده ای که در جنگ غائب بود واگذار خواهد کرد. زیرا او تمایل زیادی به عبدالله عمر بن خطاب دارد، از سوی دیگر شاکله شخصیتی عمرو عاص و زوایای پنهانی افکارش را شما بیشتر می شناسید، بدون شک او سودای خلافت خویش و فرزندش عبدالله را در سر دارد، از این رو ترا از خودش سزاواتر برای خلافت نمیداند. معاویه پس از استماع تحلیل مغیره سخت پریشان شد) (دینوری ۱۳۷۱ ش: ۲۴۳، طبری ۱۳۸۲ ق: ۶/۲۵۷۴، ابن اثیر ۱۳۶۴ ش: ۳/۳۳۰)

بدین سان مغیره گره از معمای مبهمی که اندیشه معاویه را باخود درگیر کرده بود را گشود، و او را به شکست و ضعف ابوموسی اشعری در موازین حکمین بشارت داد، و در عین حال او را از حيله ها و نیرنگ های احتمالی عمرو عاص آگاه نمود، و در پایان با وعده پیروزی نهایی معاویه در این جدال سیاسی، ارادت خود را به او اثبات کرد و از آن زمان به بعد وی بعنوان یکی از ارکان اصلی اتاق فکر معاویه مبدل شد.

«مغیره برای اثبات نیت خود به خاندان بنی امیه در دوره امام حسن (ع) نیز، پس از آنکه شائبه صلح فراگیر شد، به یکباره در صحنه سیاسی حاضر گردید. و با نقشه های پنهانی خود در متفرق کردن یاران امام نقش آفرینی کرد. و به همین دلیل او یکی از مهره های کلیدی صلحی است، که بر امام حسن (ع) تحمیل شد. زیرا بنا بر پاره ای روایات، زمانی که مغیره با عبدالله بن عامر و عبدالرحمان بن ام حکم به منظور فراهم کردن مقدمات مذاکره به محضر امام حسن (ع) رهسپار شدند، پس از گفتگوهای اولیه و قبل از موعد مقرر، مغیره از جلسه خارج شد. و با پخش شایعه پذیرش مفاد صلح از سوی امام حسن (ع)، ضمن بوجود آوردن زمینه هرج

ومرج در میان صفوف به هم پیوسته سپاه عراق، ضربه مهلکی بر پیکره ی ارتش امام وارد کرد. بطوریکه آنها یکی پس از دیگری از دور آن حضرت پراکنده شدند» (ابن سعد بی تا ۱۶۹/۵، یعقوبی ۱۳۷۴ ش: ۱۴۲) و بدین سان با کنار گیری امام حسن (ع) از صحنه خلافت، زمینه برای یکه تازی معاویه فراهم گردید.

۶- نتیجه گیری

خلیفه اول معمولاً در انتخاب مدیران و فرماندهان از کسانی استفاده میکرد که عنوان صحابی را یدک می کشیدند اما از آنجایی که نوع ایمان آوردند مغیره به حیثیت اجتماعی او لطمه وارد کرد و از سوی دیگر سلوک مدیریتی مغیره با توجه به اینکه از سیره قولی و عملی پیامبر (ص) فاصله گرفته بود ابوبکر براحتی از کنار او عبور کرد. و با اینکه مغیره در ابتدای امر در انتقال قدرت به ابوبکر در سقیفه بنی ساعده نقش ارزنده ای ایفا نمود خلیفه اعتقاد چندانی به استفاده از ظرفیت های سیاسی و نظامی او نداشت. به همین سبب مغیره در این دوره نتوانست هیچ منصبی را عهده دار گردد. در زمان عمر، بخشی از انگیزه خلیفه در واگذاری تصدی شهره های بصره و کوفه، به زمینه های اجتماعی و مدیریت امور مرزی و نیروهای فتوح، و ناتوانی امیران پیشین این شهره ها بر میگردد. و از آنجایی که مغیره بن شعبه جزء دهات اربعه بود و در کیاست و کاردانی شهرت داشت، همین مسئله در انتصاب او بر امارت های بزرگ اثر گذار بود

او در دوران امارتش بر بصره سیاست های خود را با خلیفه همسو نمود و کاملاً زیر نظر او عمل میکرد بهمین دلیل مورد توجه خاص خلیفه قرار گرفت بگونه ای که حتی پس از خبط اخلاقی او در بصره، که تا حدودی حیثیت خود و خلافت را لکه دار نمود، باز هم عمر از او صرف نظر نکرد و پس از مدت زمان کوتاهی زعامت شهر کوفه را به او سپرد. وقتی عثمان بخلافت رسید یکی از دلایلی که باعث شد تا مغیره از گردونه آسیاب قدرت حذف گردد رکود نسبی فعالیت های نظامی و توزیع مناصب حکومتی در بین سران بنی امیه بود. در این برهه نه تنها عثمان فرصت عرض اندام به مغیره را نمیداد بلکه به عقیده برخی از مورخین، پس از فوت عمر بلاد رینگ او را از امارت کوفه عزل کرد و تصدی آنرا به سعد بن ابی وقاص سپرد. از سایر عواملی که باعث انزوای سیاسی و اجتماعی مغیره در این دوره شد می توان به مسئله اشرافیت قبیله ای، توطئه اموی گرایی، تفاخر طلبی قومی، نظام قبیله ای، و سنت های اجتماعی برخاسته از تفکر پیشینیان از جمله ابوسفیان، در چرخاندن گوی خلافت بین امویان اشاره کرد.

در دوره امام علی (ع) مغیره که یکی از طرفداران اصلی مشروعیت خلفا بود تمایل چندانی به همکاری با علی (ع) از خود نشان نمی داد. کارنامه عملکرد چند ساله او نشان میدهد که اصرار او برای تقرب به خلفا، نه از روی دلسوزی برای امت اسلامی، بلکه برای نیل به قدرت بود و بهمین دلیل وی پس از ارزیابی وضعیت موجود بلافاصله از علی (ع) فاصله گرفت. در مجموع بنظر میرسد وقتی او شکست علی (ع) را در مقابله نظامی با معاویه قطعی دید، از او روی گردان شد. پس از آن مغیره با رسد حوادث و اتفاقات مهمی چون جمل، صفین و نهروان، اخبار مربوط به وقایع مهم را، به معاویه مخابره می نمود، و با نقشه های پیدا و پنهان خود را به او نزدیک کرد. مغیره طرح ننگین حکمین را پایان مقابله نظامی و آغاز مصالحه سیاسی ارزیابی کرد، بهمین دلیل هر چند به ظاهر از این گروه تبری جست، ولی عملاً با حضوری میدانی در منطقه جنداب و پس از اطلاع از منویات طرفین مذاکره کننده به دمشق رفت. معاویه پس از دریافت و تجزیه و تحلیل داده ها، از آنها بهره برداری نمود. در واقع می توان چنین استنباط کرد که مغیره پس از پشت پا زدن به روابط بین فی مابین خود با خاندان بنی هاشم و علی (ع) مزد خود را از معاویه گرفت و دیری نپایید که پس از شهادت علی (ع) و تثبیت خلافت معاویه به یکی از دستیاران و مستشاران معاویه مبدل گردید. او با تصاحب کرسی ریاست شهر کوفه سهم معوقه ی خود را پس از سالها از حکومت اموی دریافت نمود.

کتابنامه

- ابن ابی الحديد، ع. (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه، ترجمه: مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی
- ابن اثیر، ع، (۱۹۷۰م). اسد الغابه فی معرفه الصحابه، به کوشش محمد ابراهيم البناء و محمد احمد عاشور، بيروت، دارالشعب
- ابن اثیر، ع، (۱۳۹۸ق). الكامل فی التاريخ، بيروت: دارالفکر
- ابن اعثم کوفی، ا. (۱۳۷۴). الفتوح، ترجمه: محمد بن مستوفی هروی، تهران: علمی فرهنگی
- ابن جوزی، . (۱۴۱۲ق). المتنظم فی تاريخ الملوك والامم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، ا. (۱۴۱۵ق). الاصابه فی تمیز الاصحابه، بيروت: دارالکتب العلمیه
- ابن خلدون، . (۱۳۶۳). العبرو دیوان المبتداء، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات.
- ابن خلکان، ا. (۱۳۶۴ ش). وفيات الاعیان محقق عباس احسان، قم: الشریف الرضی
- ابن سعد، م. (۱۴۱۰ق). طبقات الکبری، بيروت: دارالکتب العلمیه
- ابن عبدربه، ع. (بی تا). عقدا الفرید، به کوشش دکتر محمد عبدالسلام تدمری، بيروت: دارالکتب العربیان
- ابن عساکره، م. (۱۰۴۴). تاریخ دمشق، قم: دارالفکر
- ابن قتیبه دینوری، ع. (۱۴۱۸). عیون الاخبار، بيروت: دارالعلمیه
- ابن قتیبه دینوری، ع. (۱۳۸۷ق)، الامامه والسیاسه، قاهره: موسسه الحلبي.
- ابن کثیر، ا. (۱۴۲۶ ق). البدايه والنهایه به تحقیق سهیل زکار، بيروت: دارالصادر
- ابن هشام، ا. (۱۳۹۶). سیره رسول الله، ترجمه: مسعود انصاری، تهران: نشر مولى
- ابو حنیفه دینوری، آ. ا. (۱۳۷۱). اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی
- ابو الفرج اصفهانی، ع. (۱۳۶۸ش). الاغانی، ترجمه: محمد حسین مشایخ فریدنی، تهران: علمی و فرهنگی
- ابو مینی گلستانی، م، (۱۳۹۲ ش). آیا و چرا، قم: نشر سپهر آذین
- ابو ملاذری، ا. (۱۳۶۷). فتوح البلدان، ترجمه: دکتر محمد توکل، تهران: نشر نقره
- ابو ملاذری، ا. (۱۹۸۸م). فتوح البلدان، بيروت: دارو مکتبه الهلال
- ابو ملاذری، ا. (۱۳۹۷ق). انساب الاشراف، بيروت: موسسه العلمی للمطبوعات
- بیهقی، ا، (۱۳۹۴). تاریخ بیهقی، ترجمه دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب
- ثقفی کوفی، ا، (۱۳۷۴ش). الغارات، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات
- الحلبی، ن. (۱۰۴۴ق). السیره الحلبيه، بيروت: دارالکتب العلمی.

- زرین کوب، ع. (۱۳۷۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، ج، (۱۴۰۰ ق). *الوسایل الی معرفه الاوائل*، قاهره: مکتبه الخانجی
- شهیدی، ج، (۱۳۶۲). *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران مرکز نشر دانشگاهی
- طبری، م. (۱۳۶۲ش). *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر
- طه حسین، (۱۳۵۴ش). *علی و فرزندان*، ترجمه: محمدعلی شیرازی، تهران: گنجینه
- عسکری، م، (۱۳۹۵). *سقیفه*، تهران: علامه عسکر
- عیاشی، م، (۱۳۹۵). *تفسیر عیاشی*، ترجمه عبدالله صالحی نجف آبادی، قم: ذوی القربی
- مادلونگ، و. (۱۳۸۵). *جانشینی حضرت محمد (ص)*، ترجمه: احمد نمایی، جواد قاسمی و محمد جواد مهدوی، مشهد: پژوهش های اسلامی استان قدس رضوی.
- مجلسی، م، (۱۳۶۴). *بحار الانوار الجامعه لدرراخبار ائمه اطهار*، تهران: نشر اسلامیه، ج ۲۸
- مسعودی، ع. (۱۴۰۶ق). *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، به کوشش دکتر مفیدمحمدقمیصه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مقدسی، م، (۱۹۶۲م). *البداء والتاریخ*، تهران: مکتبه الاسدی
- موسوی بجنوردی، ک، (۱۳۶۷ش). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲
- نویری، ش، (۱۳۶۵). *نهایه الارب فی فنون الادب*، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر
- واقدی، م. (۱۳۶۶). *مغازی*، ترجمه، دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یعقوبی، ا. (۱۳۷۴). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بیات، ح. (۱۳۸۹). *نقش مغیره بن شعبه ثقفی در صدر اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران
- مفید بجنوردی، ن. (۱۳۹۱). *مغیره بن شعبه و نقش او در تحولات سیاسی اجتماعی صدر اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد،
- هاشمی، ع. (۱۳۹۴). *نقش آفرینی مغیره بن شعبه در تحولات اجتماعی صدر اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شاهرود
- ۴۲) بیگ، م. (۱۳۷۹). *مقاله ی شخصیت سیاسی و نقش مغیره بن شعبه در تاریخ اسلام*، مقالات و بررسی ها دفتر شماره ۶۷، ص ۱۸۵-۲۰۶
- حیدری آقایی، م، (۱۳۸۸ش). *مقاله تاریخ قبیله ثقیف (۲) از ظهور اسلام تا رحلت رسول خدا (ص)* فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش شماره ۴
- قدمی، م، (۱۳۹۳ش). *مقاله ی مغیره بن شعبه تا دوران امام علی (ع)*، پژوهشکده امام باقر (ع).